

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره
 تاریخ: ۳ آذر ۱۴۰۰
 موضوع جزئی: آیه ۴۱ _ بخش دوم: «و لا تَكُونُوا أَوْلَ كَافِرٍ بِهِ» _
 مصادف با: ۱۸ ربیع الثانی ۱۴۴۳
 ۳. معنای «به» _ بخش سوم: «و لا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا» _ سه دیدگاه
 جلسه: ۱۹
 درباره معنای اشتراء

﴿اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَاللّٰعْنَ عَلٰى اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِينَ﴾

خلاصه جلسه گذشته

بخش دوم یعنی «وَلَا تَكُونُوا أَوْلَ كَافِرٍ بِهِ» عرض کردیم سه جزء دارد. اول «تَكُونُوا» است که به چه معناست و مخاطبش چه کسانی هستند. دوم «أَوْلَ كَافِرٍ» که اساساً معنای اولین کافر چیست. و سوم اینکه ضمیر «به» به کجا بر می‌گردد و به چه معناست. میفرماید شما اولین کافر نباشید به... که متعلق «به» باید مشخص شود. در مورد آن دو جزء اجمالاً گفتیم که خطاب «لا تَكُونُوا» با توجه به سیاق آیه قبل و امر به ایمان که در قسمت اول بیان شده بود، خطاب به همه بنی اسرائیل است، امر از توده های مردم و عالمان و خواص آنها. در مورد اولین کافر هم گفتیم وجوه و احتمالاتی ذکر شده که در بین این وجوه و احتمالات، شاید ۴ وجه و احتمال قابل پذیرش باشد، والا بقیه احتمالات ضعیف است و نمی‌توان به آنها أخذ کرد. اکنون سخن در این است که اگر خداوند تبارک و تعالی نهی می‌کند از اینکه اولین کافر باشند، یعنی به بنی اسرائیل می‌گوید شما سعی کنید پیشگام در کفر یا اولین گروه از کافران نباشید، با توجه به اینکه در کتاب تورات بشارت به این دین و پیامبرش داده شده بود، شما سعی نکنید انکار کنید و کفر نورزید که اگر کفر بورزید، کأن کفر شما شدید تر است از کافرانی که چنین بشارتی به آنها نشده بود. حال سوال این است که این‌ها اولین کافر به چه چیزی نباشند؟

۳. «به»

در مورد مرجع ضمیر «به» چند احتمال وجود دارد.

۱. یک احتمال این است که به رسول خدا برگردد، یعنی لا تَكُونُوا أَوْلَ كَافِرٍ بِرَسُولِ اللَّهِ. ولی با توجه به آیه قبل که فرمود «وَأَمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ»، نمی‌توان گفت ضمیر به در اینجا به رسول خدا بر می‌گردد. این با سیاق آیه سازگار نیست.

۲. احتمال دوم اینکه ضمیر «به» به «مَا مَعَكُمْ» رجوع کند، ای لا تَكُونُوا أَوْلَ كَافِرٍ بِمَا مَعَكُمْ. یعنی اولین کافر به آن چیز هایی نباشید که در کتاب تورات بیان شده. درست است که «مَا مَعَكُمْ» مجموعه ای از احکام، عقاید و اخلاقیات است، اما انکار آنچه که آنها داشتند و کفر به آنها، مستقل از کفر به دین جدید و پیامبر جدید مقصود نیست. آنها می‌توانستند بگویند ما به این دین کافر نیستیم و پیرو آن هستیم.

لذا این احتمال هم با توجه به سیاق آیه که بالاخره باید در مجموع سیاق واحدی باشد، سازگار نیست.

۳. احتمال سوم این است که ضمیر به «ما أَنْزَلْتُمْ» رجوع کند اَى لَا تَكُونُوا أَوْلَ كَافِرًا بِمَا أَنْزَلْتُمْ. این احتمالی است که چه بسا قابل قبول باشد چون اول امر به ایمان به ما أَنْزَلْتُمْ می‌کند و ما أَنْزَلْتُمْ را معنا کردیم که به چه معنا است، حالا نهی می‌کند از کفر به «ما أَنْزَلْتُمْ» آنهم با تعبیر «أَوْلَ كَافِرًا»، و الا معنای جدیدی دیگر از این استفاده نمی‌شد. به عبارت دیگر این آیه نمی‌خواهد بگوید ایمان بیاورید به «ما أَنْزَلْتُمْ» و کافر نشوید به «ما أَنْزَلْتُمْ». چون شاید به ذهن بیاید که اگر این باشد مطلب اضافه ای ندارد زیرا وقتی امر به ایمان به «ما أَنْزَلْتُمْ» می‌کند، بالملازمه نهی از کفر به «ما أَنْزَلْتُمْ» هم هست و دیگر نیازی نبوده که خداوند دوباره آن را در این جمله تکرار کند. اما منظور این نیست، بلکه منظور این است که خداوند می‌خواهد بگوید به آنچه که نازل کردم اولین کافر نباشید. یعنی جهت اولیت در کفر مقصود است. ابتدا امر می‌کند به ایمان به «ما أَنْزَلْتُمْ»، سپس در جمله «لَا تَكُونُوا أَوْلَ كَافِرًا بِه» می‌خواهد بگوید مواظب باشید که یکوقت اولین کافر به آن نشوید. اینجا بر حیث اولیت در کفر به «ما أَنْزَلْتُمْ» می‌خواهد تاکید کند؛ لذا تکراری نیست و مطلبی نیست که واضح باشد و بگوییم نیازی به بیان نبوده.

لذا مجموعاً و با توجه به آنچه که در این آیه وجود دارد، یعنی بخش‌های چهار گانه این آیه و سیاق واحدی که در اینجا دیده می‌شود، به نظر میرسد ضمیر «به» به «ما أَنْزَلْتُمْ» رجوع کند و این اولی است.

بخش سوم: «وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا».

این بخش مبین یک نهی است؛ نهی از اشتراء آیات به ثمن قلیل. اینجا یک امر بود: «آمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُمْ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ»، سپس یک نهی وارد شد: «لَا تَكُونُوا أَوْلَ كَافِرًا بِه»، الان هم یک نهی است و آن نهی از اشتراء استبدال آیات الهی با ثمن و بهای ناچیز است: «وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا».

معنای «اشتراء»

در درجه اول اگر بخواهد معنای این جمله و بخش معلوم شود، باید دید «اشتراء» به چه معناست. در اینجا سه دیدگاه وجود دارد و هر یک از این دیدگاه‌ها مختار و برگزیده بعضی از مفسرین است.

دیدگاه اول

دیدگاه اول این است که اشتراء به معنای استبدال باشد. طبیعتاً اگر اشتراء در این معنا به کار رود، دیگر معنای حقیقی نیست، چون معنای حقیقی آن خریدن است، اما اشتراء به معنای استبدال، داد و سند، معاوضه، در حقیقت استعمالی مجازی است. کآن خداوند در اینجا میفرماید لَا تَسْتَبَدِّلُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا. مرحوم طبرسی در جوامع الجامع این معنا را اختیار کرده است.^۱ و صاحب تفسیر المنار هم این را پذیرفته.^۲

^۱ . جوامع الجامع، ج ۱، ص ۴۸.

^۲ . المنار، ج ۱، ص ۲۹۲.

البته اینجا اشکال شده که اگر اشتراء به معنای استبدال و مبادله آمده باشد، قاعدتاً «باء» باید بر سر بدل بیاید نه مبدل. باید بگوید: لا تَشْتَرُوا آيَاتِي بِثَمَنٍ قَلِيلٍ؛ اینجا الان آیات مبدل است و ثمن بدل. و لذا باید «باء» بر سر بدل بیاید نه مبدل. این ممکن است مبعودی برای این دیدگاه احتمال باشد.

پاسخ این اشکال روشن است که «باء» هم بر سر مبدل می‌آید و هم بر سر بدل. اینطور نیست که بگوییم لزوماً باید بر سر بدل بیاید.

دیدگاه دوم

دیدگاه دوم این است که «اشتراء» در معنای حقیقی خود استعمال شده، یعنی خریدن. این دیدگاه را صاحب تفسیر روح المعانی اختیار کرده است.^۱

اشکالی هم اینجا مطرح است که با توجه به اینکه «باء» بر سر آیات آمده، کأن آیات شده است ثمن. آنگاه در «لا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا»، کأن آن ثمن در اینجا مثنی شده است. یعنی کالایی که اینجا می‌خواهند بخرند، همان منافع، متاع، سیم و زر دنیوی است، ثمن آن هم عبارت است از آیات خداوند. اگر اینجا بخواهد اشتراء به معنای حقیقی خود یعنی خریدن باشد، آنگاه سوال این است که اینجا در حقیقت آیات ثمن قرار گرفته و آن ثمن قلیل مثنی. چرا اینطور تعبیر شده؟ باید در حقیقت می‌گفت لا تَشْتَرُوا آيَاتِي بِثَمَنٍ قَلِيلٍ.

این را هم اینچنین پاسخ داده اند که کأن در اینجا خداوند تبارک و تعالی می‌خواهد به اهل کتاب کنایه و تعریض بزند که آنچه را که آن‌ها به عنوان مثنی به آن نگاه کردند، یعنی همان ثمن قلیل، شده مثنی. آنچه که مقصود اصلی آن‌ها است و به دنبال خرید آن هستند، خودش در حقیقت وسیله ای است برای خریدن، و چیزی را که مقصود اصلی است، این‌ها به عنوان ثمن قرار دادند در حالی که باید مثنی قرار گیرد. کأن بین ثمن و مثنی به اعتبار اینکه کدام مقصود بالذات است و کدام مقصود بالعرض، این‌ها خطا کردند. لذا اگر «باء» بر سر آیات آمده، در حقیقت کنایه به اهل کتاب است که آن‌ها چنین اشتباهی کردند و چیزی را ثمن قرار دادند که خودش مثنی است.

دیدگاه سوم

دیدگاه سوم این است که «اشتراء» به معنای فروختن و بیع باشد، آنگاه اشکالی دیگر پیش می‌آید. می‌گوید اگر فروختن منظور باشد، اینجا «باء» باید بر سر ثمن قلیل بیاید، نه بر سر آیات که مثنی است. یعنی کأن خداوند دارد نهی می‌کند و می‌گوید آیات من را نفروشید به ثمن قلیل. اگر «اشتراء» به معنای فروختن باشد، باید «باء» بر سر ثمن بیاید در حالی که اینجا بر سر «آیات» آمده است.

^۱. روح المعانی، ج ۱، ص ۳۸۹.

اینجا هم همانطور که گفته شد، مانعی ندارد که «باء» هم بر سر ثمن ذکر شود و هم بر سر مثنی. این دیدگاه را هم بعضی مفسران نقل کرده اند از جمله مرحوم شیخ طوسی در تبیان^۱ که او از فرآء نقل کرده اند.

این سه دیدگاه در اینجا وجود دارد. و چه بسا هر سه ممکن و محتمل باشند. اشکالات هم تقریباً در هر سه یکسان است. بالاخره در هر کدام از این دیدگاه ها و احتمالات اشکالی تولید می شود. مثلاً اینکه چرا «باء» بر سر آیات آمده و بر سر ثمن نیامده، و یا برخی از اشکالات دیگری که گفتیم، هر سه دیدگاه در اینجا متصور است. اما به نظر می رسد در اینجا یا باید احتمال اول را بپذیریم و یا احتمال سوم را. یعنی یا به معنای «لا تَسْتَبْدِلُوا» بگیریم که مشکل آن این است که مستلزم مجاز است. یا احتمال سوم را که این هم مجاز است، اما «اشترأ» به معنای بیع کثیراً به کار می رود و در آیات قرآن هم استعمال شده است. لذا دیدگاه اول و سوم در بین این احتمالات بهتر است، گرچه دیدگاه سوم شاید متعارف تر و رایج تر باشد که «اشترأ» در معنای بیع و فروختن بکار رود. اما «اشترأ» به معنای استبدال و معاوضه اگر چه ممکن است، اما شاید مؤونه اش بیشتر از دیدگاه سوم باشد.

«والحمد لله رب العالمین»

^۱. تبیان، ج ۱، ص ۱۸۸.